

جامعه جهانی اسلامی

بر حسب عقیده عموم مسلمین و صریح آیات کریمه قرآن مجید و احادیث شریفه، دعوت و رسالت حضرت خاتم الانبیاء محمد صلی الله علیه و آله و سلم یک دعوت خصوصی و رسالت منطقه‌ای و اقلیمی که هدف آن فقط اصلاح یک مجتمع و هدایت یک قوم و ملت و رهبری حکومت یک ناحیه باشد، نبوده است و قوانین اسلام و احکام قرآن نظام یک جامعه و برنامه مردم یک کشور و وطن و یک نژاد نیست.

دعوت همگانی

بلکه دعوت اسلام دعوت جهانی (۱) و تشریعات آن برای همه و هدایت جمیع زن و مرد و غنی و فقیر و سیاه و سفید و شهری و دهاتی و کلیه طبقات و اصناف است.

پیامبر اسلام رحمت خدا برای جهانیان و مبعوث به‌المیان بود و رسالتش آزاد ساختن همه انسانها از یوغ عادات زشت و استثمار و استعباد و دعوت بتوحید و مکارم اخلاق و احترام بحقوق و شرف انسانیت میباشد.

دعوت بیکناپرستی، و راهنمایی عموم به بهترین روش عالی انسانی که منتهی با اتحاد و برداشتن فاصله‌ها، و رفع تبعیضات گوناگون میشود و کوشش برای تأسیس یک جامعه جهانی و تشکیل مدینه فاضله واقعی، از مختصات اسلام است ریشه تمام اختلافات شرک و انصراف از خدای بگانه و پرستش غیر خدا است.

تشکیل حکومتها با سیستم‌های مختلف و برنامه‌های متضاد و قوانین متخالف، همه ناشی از عدم درک‌نمای توحید و محدودیت وضع تربیت و دیدگاه بصیرت افراد است. توجه بفرسفه رسالت جهانی اسلام و عقیده توحید، دیدگاه بصیرت را چنان

(۱) رجوع شود بقرآن کریم که آیات متعدده‌ای مانند: **وما ارسلناک الا رحمة للعالمین**؛ **ان هو الا ذکر للعالمین**؛ **و: قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً**؛ **و: من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه**؛ همه بر رسالت عامه آن حضرت صراحت دارند.

وسیع میسازد که همه جا و همه نقاط و همه انسانها را از پشت پرده های ضخیم مرزها و زبانها و نژادها به بینیم و اطمینان داشته باشیم که در سایه تعالیم عالیه اسلام يك جامعه جهانی تأسیس می گردد .

توحید حقیقی

یکی از ارکان مهم دعوت اسلام که فلسفه نبوات هم بر آن مبتنی است ، اینست که مصدر تشریح و انشاء انظمه و قوانین فقط خداوند متعال است ، و جعل احکام و تشریح شرایع مختص بذات بی زوال عالم و حکیم بالذات اوست و فقط مردم باید در برابر احکام خدا خاضع و تسلیم باشند و خضوع در برابر احکام دیگران و تسلیم نظامات غیر اسلامی شدن نشانه انحراف از راه اسلام و توجه بـشـرک و عدم اهتداه بحقیقت توحید است (۱) .

خضوع در برابر احکام خدا خضوع برای خدا و پرستش خداست و خضوع در برابر انظمه ای که مصدر آن خدا نیست پرستش غیر خدا و قبول استعباد است . هر کس برای خودش حق قانون گذاری و جعل احکام قائل باشد خود را شریک در افعال مخصوصه بخدادانسته است و هر بشری که برای بشر دیگر بچنین حقی اعتراف کند حق مقام الوهیت و خدائی را برای او اعتراف نموده و بندگی خود را نسبت باو پذیرفته است .

حکومت الهی

اسلام میخواهد حاکم بر مردم ، خدا و احکام خدا باشد و با تمام مظاهر شرک که در آن روزگار در ایران و روم و نقاط دیگر بصورت های متعدده دو با هم احترام از زمانه داران انجام میشد مبارزه کرد و اولیاء اسلام مانند علی علیه السلام بر مردم نشان دادند که آن تشریفات که در آن دورانهای جاهلیت در دهرهای روم و ایران رسوم بود

(۱) یکی از متفکرین بزرگ معاصر در یکی از کتبهایش بعد از ذکر آیات چندی از قرآن مجید نتیجه گرفته که دین عبارت است از قانون و حدود و شرع و طریقه و نظام فکری و عملی ؛ پس اگر انسان در پیروی از قانون و حدود استناد بخدا داشته باشد پس چنین کسی در دین خداست ، و اگر استناد به شخص و زمانه دار داشته باشد در دین آن زمانه دار است و اگر استناد بر رئیس قبیله یا رأی عموم داشته باشد ناچار در دین آنهاست .

همه خلاف روح خدا پرستی و تحقیر مقام انسانیت افراد است و تعظیم و تملق از جباران موقوف شد و زمامداری مثل علی علیه السلام که تمام نواحی وجودش عظمت واقعی بشری بود شخصاً بکارها رسیدگی میکرد و برای فقر آوردن و نان و خرما میبرد، و از اینکه مردم برای او تشریفات قائل شوند و برسم دوران جاهلیت رفتار کنند بشدت منع میکرد؛ بالباس کهنه و وصله زده در بین مردم آمد و شد داشت و خودش بی بازار میرفت و آنچه را میخرد بمنزل می آورد.

این شدت و اهتمام اولیاء دین برای این بود که کسی خود را صاحب جامعه و حاکم بر تعیین سر نوشت کسی نشناسد و همه در حکومت خدا و منطقه نفوذ احکام خدا وارد باشند و صاحب مملکت و رهبر همه خدا باشد.

اعلامیه آزادی بشر!

مبنای آیه شریفه: **يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بینکم ان لا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئاً و لا يتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله**، که اعلان آزادی و حریت تمام افراد بشر است همین است، که بشر آزاد است و حکومت، حکومت خدا است و حاکم بر همه خدا و پرستش غیر خدا جایز نیست، بشر نباید در برابر غیر خدا خاضع شود و کسی جز خدا صاحب اختیار و مالک او نیست؛ نباید یک نفر جامعه را مال خودش بداند، باید همگان وارد مملکت خدا شوند که صاحب همه و صاحب اختیار، همه است، تا عدل و احسان و مساوات و برادری جهانی، همگانی گردد و تبیض و جدائی مرتفع شود.

پیشرفت سریع!

این اصول بود که موجب شد اسلام در مدت کمتر از یک قرن مانند برق پیشرفت کند و دلها را روشن نماید ملت ایران و ملت روم که آنهمه استعباد زمامداران را دیده بودند و آن تشریفات زاید و بی اساس و در واقع پرستشهای جاهلانه از زمامداران آنها را خسته کرده و بشر پرستی آنها را در پست ترین درکات شقاوت انداخته بود (۱) از این تعالیم پیدار شدند، بحال آمدند و خود را شناختند؛ برادری زمامداران

(۱) بشر پرستی بنظر ما ضرر و فسادش از سنگ پرستی بیشتر است زیرا بشر در اثر تعظیم و خضوع و تملق و چاپلوسی دیگران بخود منور میشود و خود کام و دیکتاتور و متکبر میشود بطوریکه از انتقاد و راهنمایی دیگران بخرم /

اسلامی را با افراد دیگر ، با سربازان و با جامعه میدیدند لذت میبردند نفس راحت میکشیدند، طعم آزادی را چنان چشیدند که یکباره شیفته و دلباخته اسلام شدند اگر خلافت از مسیر خود تغییر نکرده بود و مخصوصاً حکومت امثال معاویه ها دوران اکاسره و قیاسره و تشریفات آنها را تجدید نکرده بود اکنون در دنیا اثری از بشر پرستی وجود نداشت .

پس اسلام با این تعالیم ؛ ناچار منتهی بیک حکومت عادلانه و جامعه جهانی انسانی خواهد شد، برای اینکه رسالتش دعوت عموم و شامل تمام ابناء بشر از سیاه و سفید ، و تساوی همه در برابر احکام خدا است .

پرچم اسلام

دین حق ، همه را در زیر یک پرچم که فقط تعلق بخدا دارد و بهیچ کشور و حکومت و نژاد و شخصی منتسب نیست قرار میدهد و جامعه انسانی را مانند یک جسد میسازد که «اذا اشتكى منه عضواً تداعى له سائرُه بالحمى والسهر» . اسم و رسم این پرچم «اسلام» است تا همه کس و اهل هر قطر مملکت بتوانند در زیر آن گرد آیند و کسی نتواند آنرا بخود یا بجامعه خود منتسب سازد و در نتیجه عصبیت ایجاد گردد .

پرچم اسلام پرچمی است که چنانچه از اسمش معلوم است با سلام و اسلام آوردندگان هر کجا و در هر سرزمین باشند تعلق دارد و در سایه آن عصبیتهای نژادی و وطنی و عصبیتهای دیگر باید از میان برود اما پرچمهای دیگر که بنامهای دیگر است رمز تفرق و اختصاص و عنوان جدائی و اختلاف است .

تمام تشریحات اسلام شامل همه است، این تشریحات و تعالیم اگر اجرا شود ملتها را خود بخود بسوی جامعه جهانی میبرد و ملیتهای مختلفه را در ملیت تمام اسلامی هضم کرده و سعادت دوجاهانی آنها را تأمین مینماید .

→ هی آید و فرعونیت اظهار میکند و از اینکه مردم او را بپرستند و در برابر او تواضع نمایند لذت میبرد اما سنگ پرستی دیگر این مفاسد را ندارد، مناسفانه بشر - پرستی هنوز در دنیا حتی دنیا های باصلاح متمدن بصورتهای تازه و کهنه باقی است .

حکومت متحده جهانی !

پس اسلام آئین تمام مردم جهان و دین جامعه بشری است اما نه آن جامعه جهانی که (لاینس پالینک) و جمعی دیگر از متفکرین میگویند و از حکومت متحده جهانی دم میزنند و به جله (طرفداران حکومت متحده جهانی) افکار آنها را منتشر میسازد؛ زیرا اگر آن حکومت فرضاً روزی در جهان تأسیس شود مثل این سازمانهای بین المللی که بعد از جنگ اول و جنگ دوم جهانی تأسیس شد، همانطور که مخالفین آن مانند (استراوس) عقیده دارند برای بشر موجب زحمت و سلب آزادی و وسیله تسلط اقویا برضعفا میشود و بقول مخالفین حکومت متحده جهانی وسیله گسترش يك نژاد مدردن در عالم خواهد شد چون این حکومتی که اینها عنوان کرده اند مبتنی بر ایمان بخدا و توحید و عقایدی که برای همه يك قدر مشترك معنوی باشد نیست، و بر اساس ایمان واقعی افراد بحقوق و آزادیهای دیگران بوجود نمی آید آن حکومتی که این آقایان میگویند اینست که توسعه سلاحهای مخرب و اتمی که تمدن و نسل بشر را بخطر انداخته اگر يك جامعه جهانی و حکومت متحده نباشد سرانجام خواهد و ناخواه موجب انقراض نسل بشر خواهد شد، پس باید برای جلوگیری از این خطرات از هم اکنون ملل دنیا دست بکار تأسیس يك جامعه جهانی در تحت لوای قانونی بشوند.

این حکومت نه بوجود خواهد آمد و نه اگر بوجود آید ضامن اجرایی خواهد داشت و نه شهود و غرایز آدمی را که محرك او بچنگ و فتنه است بطور صحیح راهنمایی مینماید. و نه میتواند يك برادری انسانی در عالم بوجود آورد.

برادری ایمانی

اما آنکه اسلام میگوید، هم ضامن اجرایی دارد و هم عقیده و ایمان از آن پشتیبانی میکنند و هم مردم را برادر میسازد و هم غرائز و امیال آنان را راهنمایی مینماید.

چنانچه در صدر اسلام این موضوع عمای شد و امروز هم باموانی که جلو آمده و مرزهایی که ممالک اسلامی را از هم جدا ساخته مع ذلك صد هاد میلیون مسلمان جهان خود را عضو يك جامعه میدانند و باهم احساس برادری میکنند و ما یلند درغم و شادی باهم شریک باشند. امتیاز جامعه جهانی اسلامی بر هر جامعه دیگر کوچک

یا بزرگ جوامع فعلی دنیا و جوامع قبل از اسلام باین استکه محور تمام امور در این جامعه خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلام برای اداره جامعه جهانی وافى و کافى است .

نقش ایمان

سنگر اساسی و هسته مرکزی و حقیقی این جامعه ، عقیده توحید و ایمان بخدای یگانه است که خالق کل و رازق کل است و هر کس تقوا و پرهیز کاریش بیشتر باشد باو نزدیکتر است این جامعه جهانی اسلام دارای يك محور حقیقی است که بشخص خاص تعلق ندارد و همه باو تعلق دارند در حالیکه جامعه جهانی (لاینس پالینک) و رفقایش بر يك محور واقعی اتکاء ندارد و علت تمایل بآن ترس و وحشت از جنگهای جهانی است .

اسلام با عقیده توحید طرز تفکر مردم را عوض میکند و سطح افکار را بالا میبرد و دیدگاه بینش افراد را وسیع میسازد که بدون بیم از جنگ و وحشت از اسلحه های مخرب بهم نزدیک شوند و باهم تفاهم نمایند .

ما یقین داریم که روزی می آید که این حکومت جهانی اسلام عالم را اداره کند و وحدت ادیان و وحدت حکومتها و وحدت انظمه و قوانین عملی گردد و تا دنیامنتهی بچنین وحدتی نشود اسلام رسالت خود را اداء نکرده است .

خوش بختانه طرفداران اصل این وحدتها هر روز در میان جامعه بشر بیشتر میشود و چنانکه گفته شد فکر تشکیل حکومت و جامعه جهانی بمیان آمده و سازمانها و مجامع بین المللی با اسم وحدت و برای ایجاد رابطه بین کلیه ملل جهان تأسیس شده است که هر چند این مجامع و سازمانها اکثراً بمنظور اغفال و فریب دادن مردم و اغراض سیاسی باشد مع ذلك کاشف از اینستکه يك اتحاد عمومی و وحدت اجتماعی و دینی و سیاسی خواسته روح و فطرت بشر است و همین حرکات مجازی مقدمه حرکات واقعی و آمادگی حقیقی بشر برای آن حکومت جهانی اسلام است .

فراهم شدن زمینه وحدت

سابق بر این که فکر تشکیل جامعه جهانی کمتر مطرح میشد و بتعالیم اسلام

در این زمینه کمتر توجه میگردند برای این بود که با وسایل ارتباط سابق تشکیل جامعه جهانی را بسیار دشوار و بلکه ناممکن میسر شدند ولی امروز که صنعت تلگراف و تلویزیون، رادیو، هواپیما و وسایل دیگر شهرها را همانطور که در اخبار و احادیث رسیده بهم نزدیک کرده است و اهل عالم را مثل اهل یک محله و یک خانواده و فامیل قراردادند زمینه تشکیل یک حکومت جهانی در سایه تعالیم مثنوی و جامع اسلام فراهم است و هر چه علم و صنعت جلو برود زمینه اجراء احکام عالیه اسلام آماده تر و بشارتهای اولیای دین بوقوع نزدیکتر میشود. بتدریج موقیعتها و قدرتهای محلی و فردی در دنیا رو به ضعف گذارده عموم ملل مستقیم یا غیر مستقیم در تعیین سرنوشت دنیا دخالت مینمایند (۱) و نظامات و قوانین منطقه‌ای از بین میروند و یگانه نظاماتی که میتوانند جایگزین تمام این نظامات شود و عادلانه همه را اداره نماید نظامات اسلام است.

پس عالم خود بخود بسوی هدفهای اسلام گام برمیدارد و این اختلاف نظامات و قوانین و سیستمهای اجتماعی و سیاسی را پشت سر میگذارد و یک تفاهم عمومی اسلامی بوجود خواهد آمد و ظلم و ستم و تجاوز و افراط و تفریط پایان خواهد یافت.

اسلام از آغاز این آئنده درخشان را برای دنیا پیشبینی کرده و صریحاً در آیات و روایات و عده قطعی داده است و بشر را با انتظار چنین روز و عصر و زمانی که همه در زیر پرچم اسلام درآیند و اهل یک دین و ملت و حکومت شوند گذارده (بقیه در صفحه ۵۷)

(۱) فیلسوف امریکائی (ویلیام لوید گارریسون) میگوید: ما اعتراف میکنیم به مملکت واحد و قانون واحد و قاضی واحد و حاکم واحد برای بشر. تمام شهرهای دنیا شهرها، و هر یک از جامعه بشر ابناء شهر و ابناء وطن ما هستند. ما زمین شهرهای خود را دوست میداریم بمقداری که شهرهای دیگر را دوست میداریم (البته حکم اینکه امریکاییها در این دعوی صادقند یا کاذب با مردم دنیا است). داننی، ادیب شهیر ایطالیایی میگوید: واجب است تمام زمین و جماعاتی که در آن زیست دارند بفرمان یک امیر باشند که آنچه را مورد حاجت است مالک باشد تا جنگ واقع نشود و صلح و آشتی برقرار شود. ←

بقیه از صفحه ۱۵

و ظهور آن رهبر عالیقدری که جهان آینده را باید اداره نماید و عالم را پراز عدل و داد کند بشارت داده و با او به همگان معرفی نموده است .

آیات قرآن مجید

در سوره های کریمه توبه آیه ۳۳، وفتح آیه ۲۸، و صف آیه ۹ خداوند متعال فرماید : **هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله** و یعنی آن خدا کسی است که فرستاد فرستاده خود را با هدایت و راهنمایی و دین حق (دین اسلام) ، با برای هدایت و بیان دین حق ، تا غالب گرداند آن دین را بر همه دینها ، دلالت این آیه بر وعده غلبه دین اسلام بر تمام ادیان واضح است .

در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ - میفرماید : **ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون** - این آیه نیز دلالت دارد که زمین از آن خداست و آنرا بندگان صالح او مالک خواهند شد .

در سوره نور آیه ۵۵ - میفرماید : **وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض - الایة** در این آیه ضمن تأکیدات بینه وعده داده شده است که مؤمنان و صاحبان اعمال شایسته مالک امور و خلیفه روی زمین شده و دین اسلام را با قوت و تمکن گرویده و ترس و بیم آنها مرتفع و با امنیت مبدل شود .

در سوره قصص آیه ۵ : **ونرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین** . این آیه نیز از آیاتی است که بر حسب تفاسیر و احادیث ظهور حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفدا و زمامداری جهانی آنحضرت را بشارت میدهد ، و از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در کتب بسیار معتبر و مأخذ معتده مانند نهج البلاغه روایت شده که فرمود :

لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف القروس علی ولدها - و تلا

→ فولیتر فرانسوی میگوید: هیچکس برای شهرهای خودش عظمت آرزو نکرد مگر آنکه آرزومند بدبختی و نیستی دیگران شد، متفکرین دیگر از قبیل صموئیل جنسون از اینگونه نظرات که حاکی از میل آنها بتشکیل یک جامعه جهانی است دارند .

عقب‌بذلک: و نريد ان نم‌ن علی‌الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم
 ائمة و نجعلهم الوارثین .

کتابخانه مدرسه فضیله قم

احادیث شریفه

احادیث و روایات بطور متواتر از طرق عامه و خاصه دلالت دارند بر اینکه
 دین اسلام عالمگیر خواهد شد و خانه‌ای نماند مگر اینکه جز منطقه نفوذ تعالیم
 اسلام واقع شود و شهر و ده نماند مگر اینکه صبح و شام در آن صدای اذان و شهادت
 بتوحید و رسالت بلند شود و موقعیکه انقلابات و فتن و فساد و هرج و مرج و جنگ‌های
 خانمان بر انداز و قحط و غلا و امرایان را بپایان آید باشد خداوند متعال
 مصلح واقعی جهان حضرت مهدی آل محمد (ص) که نهمین از فرزندان حسین
 و فرزند گرامی امام حسن عسکری علیهم السلام است برانگیزد تا عالم را بر از
 عدل و داد کند و پس از همینکه ابر از ظلم و جور شده و بواسطه ظهورش اضطرابات
 و انقلابات مرتفع و صلح و امنیت عمومی برقرار و حکومت واحده جهانی تشکیل
 و شرق و غرب جهان را خدا بدست آن حضرت و برای او بکشاید این روایات در ماخذ
 معتبره و مصادری که مورد اعتماد اهل سنت و شیعه است موجود است و در کتابهایی
 که در قرن اول و پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تالیف شده ضبط
 است، کسانی که اهل اطلاع هستند میدانند که در کمتر موضوعی مانند این موضوع
 روایات و احادیث از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین
 علیهم السلام و صحابه و تابعین وارد شده است (۱) که در حقیقت ایمان بظهور آن
 مصلح عالم و نجات‌دهنده بشر جزء لاینفک ایمان بصدق پیغمبر اکرم صلی الله علیه
 و آله و سلم و تصدیق بنبوت آن حضرت است این وعده الهی است که تخلف ناپذیر
 است: ان الله لا یخلف الیمیعا و با سنن الهیه و نوامیس هستی و سیر تکاملی
 بشر موافق و به اسما الله الحسنی مانند: الحاکم، العادل، الظاهر و الغالب
 مؤید است.

و لن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا .

(۱) رجوع شود بشماره نهم نشریه، مقاله نگارنده